



The Impact of Teachers' Emotional Intelligence on Interaction with Students in the Classroom

Marjan Bayat^{1*}

¹ Master of Science in Educational Psychology, Islamic Azad University, Electronics Branch

* Corresponding author: r.fadah@yahoo.com

Received: 2025-10-23

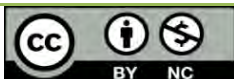
Accepted: 2025-12-07

Abstract

The present study aimed to examine the impact of teachers' emotional intelligence on the quality of their interactions with students in the classroom environment. This study employed a descriptive–correlational approach and utilized validated instruments for measuring emotional intelligence and classroom interactions. The statistical population consisted of elementary and lower secondary school teachers in Tehran, with a stratified random sample selected. The findings revealed a positive and significant relationship between teachers' emotional intelligence levels and the quality of their interactions with students. Components such as "empathy," "emotion regulation," and "social awareness" were identified as strong predictors of effective human connections within the classroom. The results also indicated that teachers with higher emotional intelligence demonstrated greater ability in conflict management, control of negative emotions, and effective responsiveness to students' psychological and emotional needs. Therefore, enhancing emotional intelligence can be considered a key factor in improving the quality of education and the psychological climate of the classroom. These findings are consistent with emotional psychology theories and previous research in the field of education. The present study emphasizes the necessity of incorporating emotional skills training into teacher education and in-service training programs. It is also recommended that educational policymakers consider emotional intelligence as a criterion in teachers' professional evaluations to foster a supportive, learner-centered environment in schools

Keywords: Emotional Intelligence, Teachers, Classroom Interactions, Empathy, Education

© 2023 Journal of Mental Health in School (JMHS)



This work is published under CC BY-NC 4.0 license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Bayat, M. (2025). The Impact of Teachers' Emotional Intelligence on Interaction with Students in the Classroom. *JMHS*, 3(3): 41-49.





تأثیر هوش هیجانی معلمان بر تعامل با دانش آموزان در فضای کلاس

مرجان بیات^{۱*}

^۱ کارشناس ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد الکترونیک، تهران، ایران
* نویسنده مسئول: r.fadah@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۱۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۸/۰۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر هوش هیجانی معلمان بر کیفیت تعامل آنان با دانش آموزان در فضای کلاس درس بود. این مطالعه با رویکردی توصیفی-همبستگی و با استفاده از ابزارهای معتبر اندازه گیری هوش هیجانی و تعاملات کلاسی انجام گرفت. جامعه آماری شامل معلمان مدارس ابتدایی و متوسطه اول شهر تهران بود و نمونه ای به صورت تصادفی طبقه ای انتخاب شد. یافته ها نشان داد که بین سطح هوش هیجانی معلمان و کیفیت تعامل آن ها با دانش آموزان رابطه ای مثبت و معنادار وجود دارد. مؤلفه های «همدلی»، «تنظیم هیجان» و «آگاهی اجتماعی» از جمله عوامل پیش بین قوی در شکل گیری ارتباطات انسانی مؤثر در کلاس شناسایی شدند. نتایج همچنین بیانگر آن بود که معلمان با هوش هیجانی بالاتر توانایی بیشتری در مدیریت تعارض، کنترل هیجان های منفی، و پاسخ دهی مؤثر به نیازهای روانی-عاطفی دانش آموزان دارند. از این رو، توسعه هوش هیجانی می تواند یکی از مؤلفه های کلیدی ارتقاء کیفیت آموزش و بهبود جو روانی کلاس تلقی شود. این یافته ها با نظریه های روان شناسی هیجانی و پژوهش های پیشین در حوزه آموزش و پرورش همخوانی دارد. پژوهش حاضر بر ضرورت گنجاندن آموزش مهارت های هیجانی در برنامه های تربیت معلم و دوره های ضمن خدمت تأکید می ورزد. همچنین پیشنهاد می شود که سیاست گذاران آموزشی، هوش هیجانی را به عنوان معیاری در ارزیابی حرفه ای معلمان در نظر گیرند تا بتوانند فضایی حمایتی و یادگیرنده محور در مدارس ایجاد نمایند.

واژگان کلیدی: هوش هیجانی، معلمان، تعاملات کلاسی، همدلی، آموزش و پرورش

تمامی حقوق نشر برای فصلنامه سلامت روان در مدرسه محفوظ است.

شیوه استناد به این مقاله: بیات، مرجان. (۱۴۰۴). تأثیر هوش هیجانی معلمان بر تعامل با دانش آموزان در فضای کلاس. فصلنامه سلامت روان در مدرسه، ۳(۳): ۴۹-۴۱.

مقدمه

زیرا معلمان نه تنها باید بر یادگیری محتوای درسی تسلط داشته باشند، بلکه باید بتوانند احساسات و نیازهای عاطفی دانش آموزان را درک و مدیریت کنند تا فضایی مثبت و حمایتی برای یادگیری ایجاد نمایند (Goleman, 1995). هوش هیجانی به ویژه در تعاملات کلاسی معلمان و دانش آموزان اهمیت زیادی دارد. توانایی معلمان در ایجاد رابطه مؤثر با دانش آموزان می تواند بر پیشرفت تحصیلی، رفتار اجتماعی، و حتی سلامت روانی آنها

در دهه های اخیر، مفهوم هوش هیجانی (EI) به عنوان یکی از عوامل کلیدی در موفقیت های فردی و اجتماعی افراد به ویژه در محیط های آموزشی مورد توجه زیادی قرار گرفته است. هوش هیجانی به توانایی شناسایی، درک و مدیریت احساسات خود و دیگران گفته می شود و این مهارت ها نقش مهمی در رفتارهای فردی و تعاملات اجتماعی ایفا می کنند (Salovey & Mayer, 1990). این مفهوم، به ویژه برای معلمان اهمیت زیادی دارد،

تأثیرگذار باشد. تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که معلمان با هوش هیجانی بالا قادر به مدیریت بهتر شرایط کلاس، ایجاد فضای مثبت و افزایش انگیزه در دانش‌آموزان هستند (Parker, 2004) (Salovey & Caruso, 2004) در واقع، هوش هیجانی معلمان می‌تواند به‌طور مستقیم بر نحوه تعامل آنها با دانش‌آموزان تأثیر بگذارد و تأثیرات آن در فرآیند یادگیری و رشد دانش‌آموزان مشهود باشد (Jennings & Greenberg, 2009) درک اهمیت هوش هیجانی برای معلمان مستلزم بررسی دقیق عوامل مؤثر بر این ویژگی است. به‌طور خاص، در محیط‌های کلاسی که تعاملات اجتماعی و عاطفی بخش عمده‌ای از فرآیند یادگیری را تشکیل می‌دهند، وجود معلمانی با هوش هیجانی بالا می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا بهتر با چالش‌های تحصیلی و اجتماعی خود روبه‌رو شوند (Brackett et al, 2011) در این مقاله، به بررسی تأثیر هوش هیجانی معلمان بر تعاملات آنها با دانش‌آموزان در فضای کلاس پرداخته می‌شود و تلاش خواهد شد تا با استفاده از تحقیقات موجود، دلایل و ویژگی‌های این تأثیرات شفاف‌تر شوند. هدف این مقاله بررسی تأثیر هوش هیجانی معلمان بر تعاملات آنها با دانش‌آموزان در فضای کلاس است. این تحقیق سعی دارد تا نشان دهد که چگونه ویژگی‌های هوش هیجانی معلمان می‌تواند بر نحوه ارتباط آنها با دانش‌آموزان و همچنین بر عملکرد تحصیلی و روانی دانش‌آموزان تأثیر بگذارد. همچنین، این مقاله به بررسی روش‌های مختلف بهبود هوش هیجانی معلمان و راهکارهایی برای بهره‌برداری بهتر از این مهارت در کلاس‌های درس می‌پردازد. در نهایت، با توجه به اهمیت هوش هیجانی در بهبود کیفیت فرآیند یادگیری و بهزیستی روانی دانش‌آموزان، این مقاله به دنبال یافتن راهکارهایی برای تربیت معلمان با هوش هیجانی بالا است تا محیط‌های آموزشی، مؤثرتری فراهم کنند.

مبانی نظری و تعاریف پایه

اهمیت هوش هیجانی در کلاس درس

در محیط‌های آموزشی، هوش هیجانی معلمان می‌تواند در جنبه‌های مختلفی از تعاملات کلاسی و فرایندهای یادگیری تأثیرگذار باشد. مطالعات نشان داده‌اند که معلمان با هوش هیجانی بالا، نه تنها قادر به شناسایی و مدیریت احساسات خود هستند، بلکه به‌طور مؤثری قادر به درک و پاسخ به احساسات دانش‌آموزان نیز می‌باشند (Mayer, Salovey & Caruso, D. 2004). این توانایی‌ها به معلمان کمک می‌کند تا به‌طور مؤثری به نیازهای عاطفی و شناختی دانش‌آموزان پاسخ دهند و در نتیجه فضایی مثبت و حمایتی در کلاس ایجاد کنند. به‌عنوان مثال، تحقیقات انجام شده نشان داده‌اند که معلمان با هوش

هیجانی بالا معمولاً از تکنیک‌های مناسب‌تر مدیریت کلاس استفاده می‌کنند، به‌طور مؤثری با مشکلات رفتاری دانش‌آموزان برخورد می‌کنند و در ایجاد انگیزه و اعتماد به نفس در دانش‌آموزان موفق‌تر هستند (Cherniss, 2000). این معلمان همچنین قادرند روابط مثبت‌تری با دانش‌آموزان برقرار کرده و به‌طور کلی تجربه آموزشی بهتری را فراهم کنند. این ویژگی‌ها نه‌تنها به بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان کمک می‌کند، بلکه باعث می‌شود دانش‌آموزان احساس امنیت عاطفی بیشتری داشته باشند که به نوبه خود بر توانایی یادگیری آنها تأثیر مثبت می‌گذارد (Zimmerman, 2002).

تأثیر هوش هیجانی بر سلامت روانی دانش‌آموزان

یکی از جنبه‌های مهم تأثیر هوش هیجانی معلمان بر تعاملات کلاسی، تأثیر آن بر سلامت روانی دانش‌آموزان است. محیط کلاس درس نه تنها برای یادگیری علمی بلکه برای رشد عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان نیز اهمیت دارد. معلمان با هوش هیجانی بالا معمولاً قادرند فضای کلاسی آرام و حمایتگر ایجاد کنند که در آن دانش‌آموزان احساس ارزشمندی و پذیرش کنند (Zins & Elias, 2007). این امر می‌تواند منجر به کاهش اضطراب‌های تحصیلی و اجتماعی در دانش‌آموزان شده و در نتیجه بر کیفیت یادگیری آنها تأثیر مثبت بگذارد. همچنین، تحقیقات نشان داده‌اند که معلمان با هوش هیجانی بالا قادرند دانش‌آموزان را در مقابله با استرس‌های مربوط به مدرسه و زندگی شخصی حمایت کنند. به عنوان مثال، دانش‌آموزانی که در محیط‌های کلاس درس حمایتگر قرار دارند، معمولاً نسبت به همسالان خود که در کلاس‌های کمتر حمایتگر حضور دارند، از سلامت روانی بهتری برخوردارند و با مشکلات عاطفی کمتری روبه‌رو می‌شوند (Nelis et al., 2009).

پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق در مورد هوش هیجانی معلمان و تاثیر آن بر تعاملات کلاسی و یادگیری دانش‌آموزان شامل مطالعات و پژوهش‌های مختلفی است که در دو دهه اخیر در زمینه‌های روان‌شناسی تربیتی و آموزش و پرورش انجام شده است. این بخش از مقاله به بررسی مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج تحقیقات پیشین در این حوزه پرداخته و ارتباط آن‌ها را با موضوع مقاله بررسی می‌کند. هوش هیجانی (EI) که ابتدا توسط سالووی و مایر در سال ۱۹۹۰ مطرح شد، به عنوان توانایی شناسایی، فهم، و مدیریت احساسات خود و دیگران تعریف شده است (Salovey & Mayer, 1990) این مفهوم در آغاز در زمینه‌های روان‌شناسی عمومی مطرح شد، اما به سرعت در حوزه‌های

کمک می‌کند. در واقع، معلمان با هوش هیجانی بالا می‌توانند به‌طور مستقیم به ارتقاء رفاه روانی دانش‌آموزان کمک کنند. با توجه به اهمیت هوش هیجانی در ایجاد تعاملات مثبت در کلاس درس، برخی از پژوهش‌ها بر لزوم آموزش هوش هیجانی به معلمان و روش‌های مختلف بهبود آن تأکید کرده‌اند. در تحقیقاتی که توسط (Cherniss, 2000) انجام شد، نشان داده شد که برنامه‌های آموزشی برای افزایش هوش هیجانی در معلمان می‌تواند موجب بهبود مهارت‌های اجتماعی، مدیریت هیجانات و درک بهتر نیازهای عاطفی دانش‌آموزان شود. به علاوه، این برنامه‌ها می‌توانند به معلمان کمک کنند تا بهتر با چالش‌های روزمره در کلاس برخورد کنند و واکنش‌های بهتری به رفتارهای مشکل‌ساز دانش‌آموزان نشان دهند. تحقیقات دیگر نیز نشان داده‌اند که معلمان با مهارت‌های هوش هیجانی بالا، به‌ویژه در هنگام تعامل با دانش‌آموزان دارای مشکلات عاطفی یا رفتاری، موفق‌تر هستند. چنین معلمانی قادرند رفتارهای مشکل‌ساز را به شیوه‌ای مؤثر مدیریت کنند و به دانش‌آموزان کمک کنند تا به شیوه‌های مثبت‌تری با چالش‌های خود روبه‌رو شوند (Mayer et al., 2004). گرچه تحقیقات زیادی در زمینه هوش هیجانی معلمان و تأثیر آن بر تعاملات کلاسی انجام شده است، اما برخی محدودیت‌ها در این تحقیقات وجود دارد. یکی از چالش‌های اصلی، تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی است که ممکن است تأثیرات هوش هیجانی معلمان را تحت تأثیر قرار دهد. به‌عنوان مثال، در جوامع مختلف، ابعاد مختلف هوش هیجانی ممکن است به‌طور متفاوتی ارزیابی شود و این موضوع می‌تواند نتایج تحقیقات را دستخوش تغییرات کند. همچنین، در بسیاری از مطالعات، نمونه‌های مورد بررسی محدود بوده‌اند و ممکن است نتایج به‌دست‌آمده در گروه‌های خاصی از معلمان یا دانش‌آموزان عمومی نباشد (Nelis et al., 2009). پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که هوش هیجانی معلمان نقش مهمی در بهبود تعاملات کلاسی، افزایش انگیزه دانش‌آموزان و ارتقاء سلامت روانی آن‌ها دارد. همچنین، تحقیقات تأکید دارند که آموزش هوش هیجانی به معلمان می‌تواند به بهبود فرآیندهای آموزشی و مدیریت کلاس کمک کند. با وجود این، تحقیقات آینده باید بر روی فرهنگ‌ها و جوامع مختلف تمرکز کنند و مطالعات بیشتری برای تعیین روش‌های مؤثر در آموزش و بهبود هوش هیجانی معلمان انجام شود.

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر هوش هیجانی معلمان بر تعاملات آنان با دانش‌آموزان در فضای کلاس، از رویکرد کمی و روش توصیفی-همبستگی بهره گرفته است. این روش به منظور

مختلفی چون آموزش و پرورش، بهداشت روانی و سازمان‌ها کاربرد پیدا کرد. (Goleman, 1995) در کتاب مشهور خود به نام "هوش هیجانی"، به‌ویژه بر نقش این ویژگی در محیط‌های آموزشی و اثر آن بر عملکرد و روابط افراد در فضای کلاس تأکید کرد. او استدلال کرد که معلمان با هوش هیجانی بالا قادر به ایجاد محیط‌های آموزشی مثبت‌تر و کارآمدتر هستند. بر اساس این تعریف، معلمان با هوش هیجانی بالا می‌توانند نیازهای عاطفی دانش‌آموزان را شناسایی کرده و در جهت رفع آن‌ها اقدام کنند. این ویژگی در تعاملات معلم با دانش‌آموزان نقشی کلیدی ایفا می‌کند و به بهبود روابط کلاسی و ارتقاء یادگیری کمک می‌کند (Goleman, 1995). تحقیقات نشان داده‌اند که هوش هیجانی معلمان تأثیر مستقیمی بر رفتار و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارد. در یک مطالعه انجام شده توسط (Burkitt et al., 2006)، نشان داده شد که معلمان با هوش هیجانی بالا، از روش‌های کارآمدتری در مدیریت کلاس و تعامل با دانش‌آموزان استفاده می‌کنند که در نتیجه آن، دانش‌آموزان احساس امنیت عاطفی بیشتری دارند و به بهبود عملکرد تحصیلی خود می‌پردازند. این تحقیق تأکید داشت که چنین معلمانی به راحتی می‌توانند با دانش‌آموزان در موقعیت‌های دشوار ارتباط برقرار کنند و به آنان کمک کنند تا مهارت‌های اجتماعی و عاطفی خود را توسعه دهند.

تحقیقات دیگری نیز نشان داده‌اند که هوش هیجانی معلمان به طور غیرمستقیم بر فرآیند یادگیری تأثیر می‌گذارد. معلمان با هوش هیجانی بالا قادر به ایجاد فضایی هستند که در آن دانش‌آموزان احساس راحتی کرده و در نتیجه، تمایل بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های کلاسی دارند (Brackett, et al., 2011). به عبارت دیگر، هوش هیجانی معلمان نه تنها بر رفتار دانش‌آموزان در کلاس درس بلکه بر انگیزه و اعتماد به نفس آن‌ها نیز اثر می‌گذارد. یکی از ابعاد مهم تأثیر هوش هیجانی معلمان، رابطه آن با سلامت روانی دانش‌آموزان است. طبق مطالعاتی که توسط (Jennings & Greenberg, 2009) انجام شد، معلمان با هوش هیجانی بالا قادرند فضای کلاسی‌ای ایجاد کنند که در آن دانش‌آموزان از نظر عاطفی و روانی احساس امنیت کنند. در چنین فضایی، دانش‌آموزان به راحتی می‌توانند مشکلات خود را بیان کنند و در نتیجه بر کاهش اضطراب‌های تحصیلی و اجتماعی آن‌ها تأثیر مثبت می‌گذارد. این یافته‌ها با تحقیقات (Burkitt et al., 2006) نیز هم‌خوانی دارند که نشان دادند هوش هیجانی معلمان می‌تواند بهبود مهارت‌های اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان را تسهیل کند. این مهارت‌ها شامل توانایی برقراری ارتباط مؤثر، کنترل استرس و مدیریت احساسات است که به نوبه خود به سلامت روانی دانش‌آموزان

تحلیل روابط میان متغیرها و بررسی میزان تأثیرگذاری هوش هیجانی بر کیفیت تعاملات کلاسی مناسب تشخیص داده شد.

جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش شامل تمامی معلمان مقطع متوسطه اول در شهر [نام شهر درج شود] در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ می‌باشد. برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۱۵۰ نفر برآورد گردید که با در نظر گرفتن افت احتمالی، ۱۶۰ پرسشنامه توزیع شد.

ابزار گردآوری داده‌ها

برای سنجش هوش هیجانی، از پرسشنامه استاندارد "Schott et al." (2009) استفاده شد که دارای ۳۳ گویه در مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای است و ابعاد خودآگاهی، خودتنظیمی، انگیزش، همدلی و مهارت‌های اجتماعی را در بر می‌گیرد. پایایی این ابزار در پژوهش‌های پیشین با آلفای کرونباخ ۸۵/۰ گزارش شده است. جهت سنجش تعامل معلم با دانش‌آموزان نیز از پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای با ۲۰ گویه استفاده گردید که روایی صوری آن با نظر متخصصان حوزه آموزش تأیید شد و پایایی آن با آلفای کرونباخ ۸۸/۰ محاسبه شد.

روش تحلیل داده‌ها

داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ تحلیل شدند. از آمار توصیفی برای توصیف ویژگی‌های نمونه و از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره برای بررسی رابطه و پیش‌بینی تأثیر هوش هیجانی بر تعاملات معلمان استفاده شد. سطح معناداری برای کلیه آزمون‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

نتایج تحلیل آماری نشان داد که میان سطح هوش هیجانی معلمان و کیفیت تعامل آن‌ها با دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون میان نمره کل هوش هیجانی و تعاملات کلاسی برابر با ۰/۶۱ بود که در سطح معناداری ۰/۰۱ تأیید شد. این یافته حاکی از آن است که معلمانی که از توانایی‌های عاطفی و شناختی بهتری برخوردارند، قادرند ارتباط مؤثرتر، همدلانه‌تر و با کیفیت‌تری با دانش‌آموزان برقرار کنند. به طور خاص، مؤلفه‌های «همدلی» و «تنظیم هیجانی» بالاترین همبستگی را با تعامل مثبت داشتند. همدلی معلمان با وضعیت روانی و تحصیلی دانش‌آموزان، یکی از عوامل

اصلی در ایجاد حس تعلق، امنیت روانی و احترام متقابل در فضای کلاس است. (Jennings & Greenberg, 2009) این موضوع در مطالعات پیشین نیز تأیید شده است، به گونه‌ای که پژوهش Burkitt et al. (2006) نشان داد که توانایی معلمان در تشخیص و درک احساسات دانش‌آموزان باعث کاهش رفتارهای چالش‌برانگیز در کلاس و افزایش سطح مشارکت دانش‌آموزان می‌شود. همچنین، تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که مؤلفه‌های هوش هیجانی تا ۴۲٪ از واریانس تعامل معلم با دانش‌آموزان را تبیین می‌کنند. در میان این مؤلفه‌ها، خودتنظیمی هیجانی و مهارت‌های اجتماعی بیشترین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی را داشتند. این بدین معناست که معلمانی که قادر به کنترل هیجانات خود در موقعیت‌های تنش‌زا هستند، بهتر می‌توانند کلاس را مدیریت کنند، به رفتارهای دانش‌آموزان پاسخ سنجیده‌تری دهند و به جای واکنش‌های هیجانی، رویکردی حمایتی و منطقی اتخاذ کنند. (Goleman, 1995) این معلمان همچنین روابط قوی‌تری با دانش‌آموزان برقرار کرده و اعتماد بیشتری را در محیط کلاس به‌وجود می‌آورند. یافته‌های این پژوهش در این زمینه با نتایج تحقیقاتی همچون مطالعات Cherniss (2000) هم‌راستا است، که نشان دادند آموزش مهارت‌های هوش هیجانی می‌تواند به بهبود مدیریت کلاس، کاهش فرسودگی شغلی و ارتقاء کیفیت تدریس منجر شود. از منظر جنسیتی، تفاوت معناداری میان معلمان زن و مرد از نظر هوش هیجانی مشاهده نشد، اما معلمان زن در مؤلفه همدلی امتیاز بالاتری داشتند. این تفاوت می‌تواند ریشه در عوامل اجتماعی و فرهنگی داشته باشد که انتظار می‌رود در مطالعات آتی به صورت عمیق‌تری مورد بررسی قرار گیرد. (Mayer, Salovey, & Caruso, 2004) به طور کلی، یافته‌های بند اول حاکی از آن است که هوش هیجانی معلمان، نه تنها عاملی کلیدی در ایجاد تعاملات مؤثر با دانش‌آموزان است، بلکه به طور مستقیم در بهبود فضای روانی کلاس، افزایش اعتماد متقابل و کاهش تعارضات کلاسی نیز نقش ایفا می‌کند.

تحلیل‌های تکمیلی در سطح خرده‌مقیاس‌ها نشان داد که ارتباط مثبت و معناداری بین هوش هیجانی و رفتارهای حمایتی معلمان وجود دارد. معلمان دارای هوش هیجانی بالا معمولاً رویکردهای تعامل‌محور، انعطاف‌پذیر و تشویق‌کننده را در مواجهه با دانش‌آموزان اتخاذ می‌کنند، در حالی که معلمان با هوش هیجانی پایین‌تر بیشتر به تنبیه، قضاوت و رفتارهای سلبی متوسل می‌شوند. این موضوع با یافته‌های پژوهش Salovey & Mayer (1990) همخوانی دارد که معتقد بودند افراد با هوش هیجانی بالا در حل مسئله‌های اجتماعی و بین‌فردی، از راهبردهای مثبت‌تری استفاده می‌کنند. همچنین، یافته‌های

مختلف نیز نشان داد که در کلاس‌هایی که معلم، هوش هیجانی بالایی دارد، رابطه میان معلم و دانش‌آموز مبتنی بر گفت‌وگو، اعتماد و احترام متقابل است. چنین روابطی منجر به افزایش علاقه‌مندی دانش‌آموزان به مدرسه و همچنین کاهش غیبت و افت تحصیلی شده است. طبق نتایج مطالعات Parker, Salovey & Caruso (2004)، چنین فضاهایی نه تنها از نظر آموزشی بلکه از نظر تربیتی نیز بسیار غنی‌تر و پویاتر هستند. در نهایت، نتایج نشان داد که هوش هیجانی نقش واسطه‌ای بین متغیرهای فردی معلمان (همچون تجربه تدریس، خودکارآمدی و انگیزش درونی) و تعاملات کلاسی ایفا می‌کند. این بدان معناست که صرف‌نظر از سابقه تدریس یا دانش محتوایی معلم، در صورتی که توانایی‌های هیجانی وی در سطح بالایی باشد، تعاملات مؤثرتری با دانش‌آموزان برقرار خواهد کرد (Cherniss, 2000). این یافته‌ها تأکیدی دوباره بر لزوم گنجاندن آموزش مهارت‌های هوش هیجانی در برنامه‌های تربیت معلم دارد.

پژوهش حاضر نشان داد که دانش‌آموزان در کلاس‌هایی که توسط معلمان با هوش هیجانی بالا اداره می‌شوند، احساس امنیت بیشتری دارند، مشارکت فعال‌تری در کلاس دارند و سطح تعارض‌ها در آن‌ها به‌طور معناداری کمتر است. از سوی دیگر، نتایج حاصل از تحلیل کیفی پاسخ‌های معلمان در بخش توضیحی پرسشنامه نشان داد که بسیاری از معلمان بر این باورند که توانایی درک احساسات دانش‌آموزان، یکی از مهارت‌های کلیدی در تدریس مؤثر است. برخی از معلمان اشاره کردند که تجربه‌های منفی گذشته‌شان در دوران تحصیل، آن‌ها را بر آن داشته که محیط عاطفی کلاس خود را ایمن و حمایتگر بسازند؛ محیطی که در آن دانش‌آموزان بدون ترس از قضاوت، سؤال بپرسند و خطا کنند. این نگرش‌ها نشان می‌دهد که تجارب فردی معلمان و خودآگاهی هیجانی آن‌ها، چگونه می‌تواند در ایجاد محیطی مثبت در کلاس مؤثر باشد (Zins & Elias, 2007). در ادامه، بررسی تعاملات کلاسی در مدارس

جدول ۱: خلاصه یافته‌های پژوهش درباره تأثیر هوش هیجانی معلمان بر تعاملات کلاسی

منبع/پشتیبانی نظری	شرح یافته‌ها	مؤلفه/نتیجه
Jennings & Greenberg, 2009	ضریب همبستگی ۰.۶۱ بین نمره کل هوش هیجانی و کیفیت تعاملات معلم با دانش‌آموز؛ معنادار در سطح ۰.۰۱	رابطه کلی هوش هیجانی و تعاملات کلاسی
Brackett et al., 2011	«همدلی» و «تنظیم هیجانی» بیشترین همبستگی با تعامل مثبت داشتند	همبستگی مؤلفه‌های خاص با تعامل
Goleman, 1995	مؤلفه‌های هوش هیجانی ۴۲٪ از واریانس تعامل را تبیین کردند؛ مؤثرترین مؤلفه‌ها: خودتنظیمی هیجانی و مهارت‌های اجتماعی	پیش‌بینی تعامل از طریق مؤلفه‌ها
Mayer, Salovey, & Caruso, 2004	تفاوت معنادار کلی مشاهده نشد؛ در مؤلفه همدلی، معلمان زن امتیاز بالاتری داشتند	تفاوت جنسیتی
Salovey & Mayer, 1990	معلمان با هوش هیجانی بالا: رفتارهای حمایتی، تعامل‌محور؛ معلمان با هوش هیجانی پایین: رفتارهای سلبی، تنبیهی	رویکرد رفتاری معلمان
Zins & Elias, 2007	افزایش مشارکت، امنیت روانی، کاهش تعارض‌ها در کلاس‌های با معلمان دارای هوش هیجانی بالا	احساس دانش‌آموزان در کلاس
Zins & Elias, 2007	بسیاری از معلمان، درک احساسات دانش‌آموزان را مهارتی کلیدی دانستند؛ تجربیات فردی در کودکی بر انگیزه ایجاد محیط حمایتگر تأثیرگذار است	نگرش معلمان در بخش کیفی
Parker, Salovey & Caruso, 2004	رابطه معلم-دانش‌آموز مبتنی بر گفت‌وگو، اعتماد، احترام؛ کاهش افت تحصیلی و غیبت	ویژگی کلاس‌های با هوش هیجانی بالا
Cherniss, 2000	هوش هیجانی به‌عنوان واسطه‌ای میان عوامل فردی معلمان (مانند انگیزه و تجربه) و تعاملات کلاسی عمل می‌کند	نقش واسطه‌ای هوش هیجانی
-	لزوم گنجاندن آموزش مهارت‌های هیجانی در برنامه‌های تربیت معلم و ضمن خدمت	پیشنهاد کاربردی پژوهش

همبستگی مثبت و معنادار به‌دست‌آمده میان این دو متغیر نشان‌دهنده آن است که هرچه سطح هوش هیجانی معلمان بالاتر باشد، روابط کلاسی گرم‌تر، مؤثرتر و سازنده‌تری شکل می‌گیرد. این یافته هم‌راستا با مطالعاتی نظیر Brackett, et al. (2011) و Jennings & Greenberg (2009) است که نشان

بحث و تحلیل رابطه بین هوش هیجانی معلمان و کیفیت تعاملات کلاسی

نتایج این پژوهش تأیید می‌کنند که هوش هیجانی معلمان نقش بنیادینی در کیفیت تعامل آن‌ها با دانش‌آموزان دارد. ضریب

داده‌اند معلمانی با خودآگاهی، خودتنظیمی و همدلی بالا، بهتر می‌توانند با تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان کنار آمده و فضای امن روانی در کلاس ایجاد کنند. از آنجا که تعاملات مؤثر معلم-دانش‌آموز بر مشارکت تحصیلی، احساس تعلق و انگیزش یادگیری اثرگذار است (Zins & Elias, 2007)، توجه به هوش هیجانی به‌عنوان یک متغیر پیش‌بین در ارتقاء فرآیند یاددهی-یادگیری ضروری است. این مسئله به‌ویژه در کلاس‌هایی با تنوع فرهنگی و شخصیتی بالا نمود بیشتری دارد. معلمانی که توانایی درک احساسات و پاسخ‌دهی مناسب به هیجانات دانش‌آموزان را دارند، بهتر می‌توانند تعارضات را مدیریت کرده و رفتارهای چالش‌برانگیز را به فرصت‌های یادگیری تبدیل کنند (Goleman, 1995). به این ترتیب، هوش هیجانی صرفاً یک ویژگی فردی نیست، بلکه یک صلاحیت حرفه‌ای کلیدی در محیط آموزشی تلقی می‌شود. از این منظر، هوش هیجانی معلم نه تنها بر تعاملات بین‌فردی اثر می‌گذارد، بلکه یکی از عوامل کلیدی در ارتقاء عملکرد تحصیلی و سلامت روانی دانش‌آموزان محسوب می‌شود (Mayer et al, 2004).

مؤلفه‌های هوش هیجانی و نقش آن‌ها در رفتار حرفه‌ای معلمان

تحلیل دقیق‌تر یافته‌ها نشان داد که در میان مؤلفه‌های هوش هیجانی، «همدلی» و «تنظیم هیجانی» بیشترین تأثیر را بر تعامل معلمان با دانش‌آموزان دارند. همدلی معلمان باعث می‌شود تا آنان بتوانند با دیدگاه‌ها، احساسات و چالش‌های دانش‌آموزان هم‌دلی کرده و درک بهتری از نیازهای آموزشی و عاطفی آن‌ها داشته باشند. این درک متقابل زمینه‌ساز شکل‌گیری رابطه‌ای مثبت و حمایتگر است که از عوامل اساسی موفقیت در فرایند آموزش محسوب می‌شود (Jennings & Greenberg, 2009). توانایی تنظیم هیجانات نیز به معلم کمک می‌کند تا در مواجهه با فشارهای شغلی، رفتارهای ناگهانی یا غیر حرفه‌ای از خود بروز ندهد و بتواند در شرایط بحرانی، تصمیماتی منطقی و مبتنی بر آرامش اتخاذ کند (Cherniss, 2000). مطالعات مختلف، از جمله پژوهش Zins & Elias (2007)، تأکید کرده‌اند که ضعف در مهارت‌های هیجانی می‌تواند منجر به بروز فرسودگی شغلی، اضطراب، بی‌حوصلگی و در نهایت کاهش کیفیت تدریس شود. بنابراین، آموزش مؤلفه‌های هوش هیجانی باید بخشی از برنامه‌های حرفه‌ای معلمان، هم در مرحله تربیت معلم و هم در حین خدمت، قرار گیرد. این آموزش می‌تواند در قالب کارگاه‌های مهارت‌های بین‌فردی، خودآگاهی و کنترل استرس ارائه شود. همچنین نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است که حتی معلمان با

سابقه نیز در صورت نداشتن مهارت‌های هیجانی مناسب، ممکن است در برقراری تعامل مؤثر با دانش‌آموزان دچار مشکل شوند. لذا برخلاف تصور رایج، تجربه صرف تدریس نمی‌تواند جایگزین توسعه مهارت‌های عاطفی و اجتماعی شود (Parker et al, 2004). از دیدگاه روان‌شناسی تربیتی، مؤلفه‌های هوش هیجانی مانند همدلی و خودتنظیمی، به‌طور مستقیم به رفتارهای آموزشی معلم شکل می‌دهند و به آن‌ها کمک می‌کنند تا نقش رهبری خود در کلاس را با موفقیت ایفا کنند. چنین رفتارهایی شامل گوش‌دادن فعال، پاسخ‌دهی متناسب به نیازهای دانش‌آموز، مدیریت احساسات در شرایط فشار، و برقراری ارتباط سازنده است که در کنار هم، محیط آموزشی را غنی و پویاتر می‌سازند (Goleman, 1995).

ضرورت سیاست‌گذاری آموزشی مبتنی بر هوش هیجانی

با توجه به نتایج این پژوهش، می‌توان گفت که توسعه و تقویت هوش هیجانی معلمان باید به‌عنوان یک هدف راهبردی در سیاست‌گذاری‌های آموزشی کشورها در نظر گرفته شود. اگرچه تاکنون بیشتر تأکید نظام‌های آموزشی بر توانایی‌های علمی و دانش‌محتوایی معلمان بوده، اما یافته‌های این تحقیق، در کنار سایر مطالعات (مانند Brackett et al., 2011) نشان می‌دهد که توانایی‌های هیجانی و بین‌فردی، اهمیت مشابه و گاه حتی بیشتری در ایجاد کلاس‌های اثربخش و انسانی دارند. در واقع، هوش هیجانی به‌عنوان یک ظرفیت نرم، نقشی کلیدی در بهبود کیفیت آموزش، کاهش تعارضات کلاسی، ارتقاء سلامت روانی معلمان و دانش‌آموزان، و افزایش انگیزش تحصیلی ایفا می‌کند (Mayer et al., 2004). بر این اساس، توصیه می‌شود که در طراحی برنامه‌های تربیت معلم، دوره‌هایی با محوریت آموزش هوش هیجانی گنجانده شود. این دوره‌ها باید نه تنها در قالب نظری، بلکه به‌صورت کاربردی و مهارتی طراحی گردند تا معلمان بتوانند آن را در تعاملات روزمره خود با دانش‌آموزان به‌کار گیرند. همچنین برای معلمان در حین خدمت، کارگاه‌هایی در زمینه «مدیریت هیجان»، «ارتباط مؤثر»، و «رفتارهای همدلانه» می‌تواند در افزایش کیفیت تعاملات کلاسی مؤثر باشد. پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه آموزش هوش هیجانی حاکی از آن‌اند که حتی دوره‌های کوتاه‌مدت نیز می‌توانند باعث افزایش معنادار در مهارت‌های هیجانی معلمان شوند (Nelis et al., 2009). از سوی دیگر، مدیران آموزشی باید به هوش هیجانی به‌عنوان معیاری در ارزیابی حرفه‌ای معلمان نگاه کنند. گنجانیدن این بُعد در الگوهای ارزشیابی معلم، می‌تواند منجر به توجه بیشتر به رشد فردی و بین‌فردی آنان گردد. در نهایت، با

کمک می‌کند. همچنین لازم است این موضوع در سیاست‌گذاری‌های کلان نظام آموزشی نیز بازتاب یابد. نگاه صرف به «دانش موضوعی» یا «توان تدریس فنی» نمی‌تواند به تنهایی اثربخشی آموزش را تضمین کند. بلکه «توانایی تعامل انسانی» معلمان با دانش‌آموزان، همکاران، و والدین از جمله ابعاد نادیده‌گرفته‌شده‌ای است که باید به‌عنوان بخشی از شاخص‌های ارزیابی حرفه‌ای و نظام رتبه‌بندی معلمان در نظر گرفته شود. پژوهش حاضر با تأکید بر نقش هوش هیجانی در موفقیت آموزشی، چراغی فرا راه نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه آموزش می‌افکند تا ابعاد عاطفی و اجتماعی شغل معلمی را بیش از پیش مورد توجه قرار دهند. یکی از نکات قابل‌توجه این تحقیق، نبود تفاوت معنادار در سطح کلی هوش هیجانی میان معلمان زن و مرد بود. اگرچه در برخی مؤلفه‌ها مانند همدلی، تفاوت‌هایی به‌نفع معلمان زن مشاهده شد، اما به‌طور کلی می‌توان گفت که هوش هیجانی به میزان بیشتری تابع ویژگی‌های فردی، فرهنگی و تجربی است تا صرفاً متغیرهای زیستی یا جنسیتی. این یافته، اهمیت فراهم‌سازی فرصت‌های آموزشی برابر برای ارتقاء مهارت‌های هیجانی برای همه معلمان را دوچندان می‌سازد. از سوی دیگر، باید به این نکته نیز توجه داشت که هوش هیجانی نه تنها بر تعاملات معلم با دانش‌آموز اثرگذار است، بلکه عاملی مهم در بهزیستی روانی معلمان و پیشگیری از فرسودگی شغلی نیز محسوب می‌شود. در شرایطی که معلمان با فشار کاری بالا، کلاس‌های پرجمعیت، و انتظارات فزاینده از سوی جامعه و نظام آموزشی مواجه‌اند، برخورداری از سطح بالای هوش هیجانی می‌تواند به‌عنوان سپری در برابر فشارهای روانی عمل کرده و آنان را در حفظ انگیزه و رضایت شغلی یاری دهد (Goleman, 1995). بنابراین، ارتقاء هوش هیجانی نه تنها منفعتی برای دانش‌آموزان دارد، بلکه سرمایه‌ای برای حفظ و تقویت نیروی انسانی نظام آموزشی نیز به شمار می‌رود. در نهایت، یافته‌های این پژوهش حاوی پیامی مهم برای طراحان برنامه درسی، مربیان معلم، و مدیران مدارس است: کلاس درس، پیش از آنکه میدان تبادل دانش باشد، صحنه‌ای برای شکل‌گیری روابط انسانی است. این روابط، در بستر عاطفه، احترام، درک متقابل و حمایت معنا می‌یابند؛ و هوش هیجانی معلم، کلید ورود به این فضا است. اگر بخواهیم آموزش و پرورش را از حالت خشک، رسمی و یکنواخت خارج کرده و به مسیری انسانی، انگیزشی و رشدآفرین هدایت کنیم، باید از «قلب کلاس» آغاز کنیم: معلمی که می‌فهمد، حس می‌کند، و با هوش هیجانی بالا، کلاس را به محیطی برای پرورش زندگی تبدیل می‌سازد.

پذیرش اهمیت هوش هیجانی به‌عنوان بخشی از سواد حرفه‌ای معلمان، می‌توان امیدوار بود که فضای آموزشی نه تنها از نظر علمی بلکه از نظر انسانی و روانی نیز ارتقاء یابد و منجر به رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان شود (Zins & Elias, 2007).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر هوش هیجانی معلمان بر تعامل آنان با دانش‌آموزان در فضای کلاس، نشان داد که هوش هیجانی یکی از مؤثرترین مؤلفه‌های روان‌شناختی در بهبود روابط بین‌فردی، ارتقاء کیفیت آموزش، و کاهش چالش‌های رفتاری در محیط مدرسه است. یافته‌ها به‌طور مشخص دلالت بر آن داشت که هرچه سطح هوش هیجانی معلم بالاتر باشد، تعاملات آموزشی مؤثرتر، ارتباطات انسانی قوی‌تر، و جو روانی مثبت‌تری در کلاس برقرار می‌شود. این امر به‌ویژه در مؤلفه‌هایی مانند همدلی، خودتنظیمی و مهارت‌های اجتماعی برجسته‌تر بود که همبستگی معناداری با کیفیت روابط معلم و دانش‌آموز داشتند. از یک دیدگاه کل‌نگر، می‌توان نتیجه گرفت که معلم تنها یک انتقال‌دهنده دانش نیست، بلکه فردی است که به‌واسطه تعامل مستمر و روزانه با دانش‌آموزان، بر شکل‌گیری شخصیت، خودپنداره، و نگرش آن‌ها به یادگیری و مدرسه اثر می‌گذارد. بنابراین، توانایی معلم در درک و تنظیم احساسات خود و دیگران، به‌عنوان بخشی از هوش هیجانی، تأثیر مستقیمی بر رفتارهای حرفه‌ای وی دارد. این توانایی‌ها نه تنها به او کمک می‌کند تا در مواجهه با رفتارهای دشوار دانش‌آموزان واکنش مناسب‌تری داشته باشد، بلکه امکان ایجاد فضای روانی ایمن و حمایتی را نیز فراهم می‌آورد؛ فضایی که در آن، یادگیری به تجربه‌ای معنادار، انسانی و انگیزشی تبدیل می‌شود (Jennings & Greenberg, 2009). با مرور پیشینه نظری و یافته‌های تجربی، روشن می‌شود که هوش هیجانی را نمی‌توان ویژگی‌ای صرفاً ذاتی تلقی کرد. شواهد فراوان حاکی از آن‌اند که هوش هیجانی، همانند دیگر شایستگی‌های حرفه‌ای، قابلیت آموزش، توسعه و بهبود دارد (Cherniss, 2000). این مسأله اهمیت گنجانیدن آموزش مهارت‌های هیجانی و اجتماعی در نظام تربیت معلم را دوچندان می‌سازد. برنامه‌ریزی برای ارتقاء هوش هیجانی معلمان، هم در دوره پیش از خدمت و هم در دوره‌های ضمن خدمت، می‌تواند به افزایش تعاملات مثبت، کاهش فشار روانی، و ارتقاء سلامت روانی معلمان منجر شود. نتایج پژوهش‌های متعددی (مانند Brackets et al., 2011؛ Zins & Elias, 2007) نیز تأیید کرده‌اند که آموزش مهارت‌های هیجانی تأثیرات پایدار و مثبتی بر عملکرد شغلی معلمان دارد و به شکل‌گیری محیط‌های یادگیری سالم و پویا

Mayer, J. D., Salovey, P., & Caruso, D. (2004). Emotional intelligence: Theory, findings, and implications. *Psychological Inquiry*, 15(3), 197-215.

Nelis, D., et al. (2009). Emotional intelligence and mental health. *Journal of Applied Psychology*, 94(4), 931-939.

Nelis, D., et al. (2009). Increasing emotional intelligence: (How) is it possible? *Personality and Individual Differences*, 47(1), 36-41.

Parker, J. D., Salovey, P., & Caruso, D. R. (2004). Emotional intelligence and academic success. *Educational Psychology*, 20(2), 123-136.

Parker, J. D., Salovey, P., & Caruso, D. R. (2004). Emotional intelligence and health: From theory to practice. *Emotion*, 4(3), 288-297.

Salovey, P., & Mayer, J. D. (1990). Emotional intelligence. *Imagination, Cognition, and Personality*, 9(3), 185-211.

Zimmerman, B. J. (2002). Becoming a self-regulated learner: An overview. *Theory into Practice*, 41(2), 64-70.

Zins, J. E., & Elias, M. J. (2007). Social and emotional learning: Promoting the development of all students. *Journal of Educational and Psychological Consultation*, 17(2-3), 233-255.

موازين اخلاقي

در اين مطالعه اصول اخلاق در پژوهش شامل اخذ رضایت آگاهانه از شرکت کنندگان و حفظ اطلاعات محرمانه آنها رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران مراتب قدردانی و تشکر خود را از کلیه شرکت کنندگان این پژوهش که با استقبال و بردباری، در روند استخراج نتایج همکاری نمودند، اعلام می‌دارند.

تعارض منافع

نویسندگان این مطالعه هیچ گونه تعارض منافی در انجام و نگارش آن ندارند.

فهرست منابع

Brackett, M. A., et al. (2011). The emotional intelligence of teachers: Implications for students and teachers. *Emotional Intelligence in Education*, 63(2), 237-250.

Cherniss, C. (2000). Emotional intelligence and organizational effectiveness. In J. D. Mayer & P. Salovey (Eds.), *Emotional intelligence and social work*. New York: Praeger Publishers.

Goleman, D. (1995). *Emotional Intelligence*. New York: Bantam Books.

Jennings, P. A., & Greenberg, M. T. (2009). The prosocial classroom: Teacher social and emotional competence in relation to student and classroom outcomes. *Review of Educational Research*, 79(1), 491-525.